

نگاهی به رساله تفضیل امیرالمؤمنین (ع) از شیخ مفید

○ نوشته: استاد سیدمحمد رضا حسینی جلالی

○ ترجمه: جويا جهانبخش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - در نسب و پایگاه، می باشد، و هیچگاه جز خدای یگانه را عبادت ننموده و خداوند او را گرامی تر از آن داشته که روزگاری را در عبادت بتان بگذارند... این مزایا و جز اینها، پاره‌ای از سجایای اوست که حتی یکی از اینها در دیگر صحابه موجود نیست؛ حال چگونه ممکن است دیگران بر او مقدم باشند؟ عمده ادله عامه در مقدم داشتن آن سه تن بر علی - علیه السلام - این است که بعضی از مردم ایشان را مقدم داشته‌اند؛ و این مقدم داشتن را دلیل فضل گرفته‌اند؛ با این که مقدم داشته شدن از سوی مردم، دلیل بر تقدم واقعی نیست، و همچنین مقدم داشته شدن از سوی بعضی از مردم، نشان‌دهنده رضایت همگان نمی باشد؛ چه، گروهی از بزرگان صحابه نارضایتمندی خود را از مقدم داشتن ابوبکر، چه در سقیفه بنی ساعده، چه در مسجد پیامبر، و چه در نشست شورا و چه در مناسبات عیدیه دیگر، اعلام نمودند.

از آن مهمتر، در چنین امر خطیری، مقدم داشتن مردم، نشان‌دهنده رضایت و پذیرش شرع نیست!

آری، اگر پیامبر - صلی الله علیه و آله - خود کسی را مقدم بشمرد، آن، قطعاً نشان‌دهنده تقدم در فضل است، بلکه خود فضل است!

«فضیلت» و «تقدم»، هم در شرع و هم در نظر عقلا، ملازم یکدیگراند. هرگاه شخص دارای فضیلتی باشد مقدم بر کسی است که آن فضیلت را دارا نیست، و هرگاه کسی افضل از دیگری باشد، مقدم است. این مطلب در بسیاری از امور شرعی، مانند تقلید و قضاوت، و همچنین در عرف، مثلاً در تجلیل و ادای احترام، مسلم است. بنا بر همین ملازمیت همیشگی است که فضل را دلیل بر تقدم، و تقدم را معلول فضل، گرفته‌اند.

از همینجا، در میان مسلمانان نزاع درگرفته است بر سر این که کدامیک از صحابه افضل است تا در خلافت تقدم داشته باشد؟

عامه، ترتیب صحابه را در فضل، مانند ترتیب ایشان در خلافتی که پس از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - رخ داد، قرار داده‌اند: ابوبکر، سپس عمر، سپس عثمان، سپس علی علیه السلام.

ولی در مقام استدلال، ادله ایشان از اثبات این معنا قاصر است؛ چون هیچیک از مسلمانان شک ندارد که علی - علیه السلام - أعلم صحابه به دین و شریعت، عادل‌ترین ایشان در حکومت، داورترین ایشان، آقرء ایشان، نخستین ایشان در اسلام و اولین نمازگزار از ایشان، و نزدیک‌ترین ایشان به



آن حضرت علی الأطلاق أفضل خلق می باشد و شیخ مفید کراراً بر این نکته تأکید کرده و از جمله گفته است: و اما رسول الله - صلی الله علیه و آله - بی هیچ شک از او برترست.

موضوع این نزاع، برحسب اختلاف آراء و مذاهب، تفاوت می یابد؛ چنان که کسانی که به عصمت امام علی - علیه السلام - قائل نیستند، او را با دیگر صحابیانی که قطعاً معصوم نیستند، قرین می سازند و به تفاضل میان او و ایشان می پردازند.

بحث شیخ با این گروه، براساس تنزل و تسلیم است. در اینجا، استدلال با ادله نقلی تفضیل امام - علیه السلام - از طریق اخبار و آثار، و ادله نظری از طریق صفات و ویژگیهای خاص وی که در کسی جز وی نبوده، صورت می پذیرد.

و اما کسانی که قائل به عصمت امام علی - علیه السلام - هستند، امام را در تفاضل با صحابه قرین نمی سازند، زیرا این صحابیان معصوم نیستند، و بدین ترتیب در پایگاه او نیستند که با وی سنجیده شوند؛ مگر خاک را با زر می توان سنجید!

بنابراین باید تفاضل میان او و کسانی باشد که عصمتشان ثابت شده است؛ این کسان، انبیاء هستند.

بحث با این گروه، راهی جز راه نخست دارد؛ چون حجت کسی که انبیاء را بر امام - علیه السلام - تفضیل می دهد، آنست که «نبوت» - یعنی برانگیختگی به رسالت و وحی الهی - فضیلتی است که امام قطعاً از آن برخوردار نبوده، و از این رو، انبیاء، به واسطه پایگاه نبوت، افضل از او هستند. جارودیه از زبیده همگی - آنگونه که شیخ مفید می گوید - قاطعانه قائل بدین قول هستند؛ ولی اهل امامت، کثیری از متکلمانشان همسخن جارودیه اند.

گروهی از ایشان در این مقام توقف کرده و گفته اند: ما نمی دانیم که آن حضرت - علیه السلام - در آن چه مایه استحقاقی ثواب است، از انبیا برتر است، یا همپای ایشان است، یا از ایشان فروتر است!

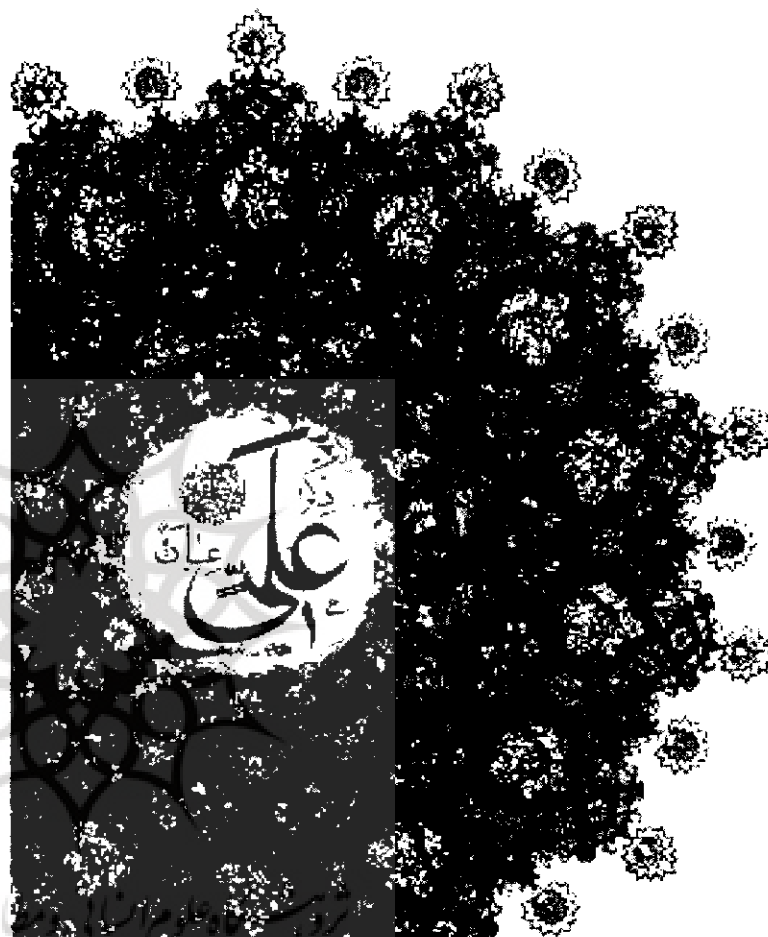
گروهی گفته اند: امام علی - علیه السلام - از همه انسانها جز پیامبران اولوالعزم برترست، ولی پیامبران اولوالعزم از آن حضرت برترند! در مقابل، اهل آثار و طبقه ای از متکلمان، به افضلیت امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - از همه بشریت - بجز رسول الله حضرت محمد صلی الله علیه و آله که آن حضرت، از امام، افضل اند - معتقد هستند.

شیخ مفید، در هر دو بحث، آنگونه که می سزیده است و با پیروی از یک روش علمی شگرف، داد سخن داده.

وی در آغاز کتاب، آراء اهل مذاهب را در این مسأله، یاد کرده، و دیدگاه های گوناگون را که - چنان که توضیح دادیم - مایه جدائی موضوع این دو بحث می شود، تبیین نموده است.

سپس بحث از تفضیل امام - علیه السلام - را بر پیامبران، بجز رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - پیش کشیده است.

آغاز کردن کتاب با این بحث، یک جنبه فنی و ظریف دارد که شیخ آن را مراعات نموده است؛ بدین معنا که هرگاه این مراد مؤلف، یعنی اثبات افضلیت امام از انبیاء، حاصل شود، دیگر نیازی به بحث از تفضیل امام -



ولی آیا پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - احدی از صحابه را بر ایشان مقدم داشته است؟

شیعیان معتقدند که علی - علیه السلام - از همه همروزگاران - طبعاً غیر از خود پیامبر - افضل است و باور دارند که نبی اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - در موارد و مواضع و امور مهمی که پیش می آمده است، علی را بر دیگران مقدم داشته است.

این یک جهت از چیزی است که این کتاب گفت و گو و داوری درباره آن را برعهده گرفته و مؤلف در مسأله چهاردهم از مسائل حاجیه [عکبریّه] هم به شمه ای از آن پرداخته است.

گروهی از معتزله، در حکم درباره این مسأله، توقف کردند که از این رو «واقفه» خوانده شدند و شیخ مفید در الفصول المختارة (ص ۶۷) ایشان را یاد کرده است.

بحث دیگری هم هست که این کتاب آن را برعهده گرفته و آن تفضیل امام علی - علیه السلام - است بر دیگر خلائق.

البته پیداست که نبی اکرم، حضرت محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و آله و سلم - در طرف دیگر این مفاضله قرار ندارد زیرا اجماع بر آن است که





علیه السلام - بر صحابه نیست زیرا که اجماع همه سویه بر این که انبیاء از دیگر صحابه افضل هستند وجود دارد، و اگر افضلیت علی - علیه السلام - از سایر انبیاء ثابت شود، قطعاً آن حضرت افضل صحابه است. زیرا در اینجا یک قیاس مساوات، که بر اولویت هم دلالت می کند، بدین شکل، تشکیل می شود: «علی - علیه السلام - افضل از انبیا است» و «انبیاء افضل از دیگر صحابه اند» پس: «علی - علیه السلام - افضل از دیگر صحابه است».

بدین ترتیب در نخستین فصول:

شیخ از ادله افضلیت امام علی - علیه السلام - از انبیاء، جز پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم -، گفت و گو کرده است، زیرا افضلیت پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - از سایر مردمان، امری است که به اجماع مورد اتفاق است و خود آن حضرت هم فرموده است: «أنا سيد البشر» و «أنا سيد ولد آدم» (یعنی: من سرور بشریت هستم؛ و: من سرور فرزندان آدم هستم).

وقتی افضلیت پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - معلوم باشد، ادله روشنی هست که نشان دهد امیرالمؤمنین علی علیه السلام باید در فضل در پی آن حضرت باشد و هیچکسی میان ایشان واسطه نباشد؛ این ادله بسیارند و شیخ در فصولی چند به یادکرد آنها دست بازیده است.

فصل نخست: درباره آیه میاهله است: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ...» (قرآن، س. ۳، ص ۶۱) بگو ببینید تا پسرانمان را و پسران شما را و زنانمان را و زنان شما را و نفسهای ما را و نفسهای شما را فرا بخوانیم، سپس تضرع کنیم... که در این آیه علی - علیه السلام - همانا نفس پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - شمرده شده، و مراد از واژه «نفس» آنست که علی - علیه السلام - همتای رسول صلی الله علیه و آله و سلم است و در تعظیم و اجلال و منزلت نزد خداوند متعال، مانند آن حضرت می باشد.

فصل دوم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دوستی با علی - علیه السلام - را دوستی با خود، و دشمنی با او را دشمنی با خود شمرد، و حکم کرد که محارب با علی - علیه السلام - محارب با پیامبر - صلی الله علیه و آله - است، و میان خود و علی جدائی نیفتد.

پیداست پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - اینها را به جانبداری و هواخواهی از علی - علیه السلام - نگفته، بلکه این معانی را شایسته علی - علیه السلام - دانسته و او را سزاوار این معانی دیده است.

فصل سوم: درباره حدیث «طائر مشوی» (مرغ بریان) است که خاصه و عامه روایت کرده اند و متن آن چنین است که:

پیامبر - صلی الله علیه و آله - گفت: «اللهم ائتني بأحب الخلق إليك يأكل معي من هذا الطائر» (یعنی: خدایا! محبوبترین خلق نزد خودت را، به من برسان تا با من از این مرغ بخورد)؛ پس علی - علیه السلام - به خدمت پیامبر آمد و چون پیامبر او را دید، گفت: «والی» (و نزد من) یعنی محبوبترین خلق نزد خدا و نزد رسول خدا.

بدین ترتیب محبت خداوند به علی - علیه السلام - محرز می گردد؛ و محبت خداوند، محبتی از روی طبیعت و میل نیست، بلکه پاداش و تعظیم و اجلال از جانب خداست.

پس وقتی علی - علیه السلام - محبوبترین خلق نزد خدا باشد، واضح است که ثواب او نیز نزد خدای متعال از همه بیش است، و اینهمه تنها در صورتی است که او، به پایگاه از همه خلق برتر، مقامش در عبادت از همه رفیع تر، و کردارش بیشتر از همه مورد خشنودی خداوند باشد.

عمومیت محبوبترین خلق نزد خداوند بودن، اقتضا می کند که امام - علیه السلام - از همه انبیاء، جز پیامبر ما - صلی الله علیه و آله و سلم - و همچنین از عقلائی که در مرتبه های پس از انبیاء قرار دارند، افضل باشد. این ادله سه گانه، اقتضا می کند که امام علی - علیه السلام - در فضل با پیامبر - صلی الله علیه و آله - مساوی باشد ولی البته ادله قطعی - از جمله اجماع امت - ثابت می کند که پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم -، به خاطر کردارهای مختص خود و قرب ویژه اش، از امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - افضل است.

در فصل چهارم: شیخ مفید، به آن دسته از فضائل مختص به امام - علیه السلام - که «در اخبار پیوسته و برانگنده آمده و رجال خاصه و عامه، همسان و همسو، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند»، استدلال کرده، و احادیث سقایت بر حوض، لوائی حمد، تقسیم بهشت و درخت، تشستن بر منبر به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله، و این که آن حضرت خواننده می شود و حله ای دیگر بر او می پوشانند، و این که کسی جز به اذن آن حضرت از صراط گذر نمی کند، و این که زادورود آن حضرت اصحاب اعراف اند، و مانند آنها راه، یاد نموده است.

شیخ در استدلال به این اخبار گفته: معلوم است که قیامت محل جزاست، و ترتیب در کرامت، در آنجا، بر حسب اعمال است، و مراتب خواری و فرودستی هم بنابر استحقاقی است که به واسطه اعمال پدید آمده؛ پس وقتی مدلول این اخبار، تقدم امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - را، در کرامت و ثواب، بر همه خلق، بجز پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم -، برساند، این نشان می دهد که آن حضرت - علیه السلام - در اعمال از سایر خلائق افضل است.

پس از آن، شیخ، دو فصل دیگر پرداخته است: در اولی، اخباری را که چون از طرق امامیه و از ائمه ایشان علیه السلام وارد شده، خاص امامیه است، یاد کرده و درباره آنها گفته: «... [این اخبار] بسیار، و نزد عالمان امامی نامبردار است؛ و در اصول و مصنفات ایشان، پیوسته و گسسته، اینجا و آنجا پیامده، شیخ، چهار حدیث در این بخش آورده.

در دومی هم، فضائلی را که عامه روایت کرده اند و دلالت بر مطلوب می کند، یاد کرده و چهار حدیث آورده است.

روش استدلال در باب همه این احادیث، همانست که در فصول پیشین گذشته است.

آنگاه، شیخ واپسین فصل کتاب را پرداخته و گفته است:

اهل نظر در تفضیل به سه طریق اتکا کرده اند:

۱- ظواهر اعمال

۲- نقلی که میزان ثواب و آنچه را دال بر آن باشد یاد کرده و در فصول

پیشین از آن سخن رفت

۳- رفتارهای خاص امام - علیه السلام - که در راه خدمت به اسلام، به





شیخ مفید در این کتاب:

- ۱- با طرح همه آراء مختلفه و ارائه ادله پس از آن، ضمن رعایت اولویت مباحث مهمتر در عرضه و طرح - به طرزى که او را از ایراد بسیاری از استدلال‌ها و نقض و ایرام‌ها و تکرارها، بی‌نیاز می‌سازد - یک روش علمی شگرف را در تألیف کتاب، ارائه کرده است.
- ۲- در ایراد اخبار، بین طرق فریقین، عامه و خاصه جمع نموده تا حجیتش بیشتر و بنیروتر باشد و حجت تامتر گردد.
- ۳- ادله نظری دال بر مطلوب خود را تماماً آورده است، و به نقلی [= دلیل نقلی] بسنده ننموده است.

۴- کوشیده است بر وفق روشهای مختلف به ایراد استدلال بپردازد. بنابراین، این رساله، برغم خردی‌اش، از نغزترین و دلاویزترین نوشتارهایی است که در این موضوع به قلم آمده، خصوصاً با امتیازات عمومی قلم شیخ مفید، مانند سلاست و لطافت عبارت، قوت و تمامیت حجت، تکیه بر نصوص با توان دریافت و نقادی زمانی و بررسی اندیشگی آنها، به کار بستن اصول و آداب بحث و مناظره؛ یعنی مجموع عناصری که کتابهای او را - هرچند در ترازوی علم گرانسنگ و وزین باشند - برای ذهن خواننده سهل و خوشگوار می‌سازد.

والله الموفق للصواب*

پانوشت:

* این نوشتار، ترجمه‌ای است محررانه از نظرات فی تراث الشیخ المفید (صص ۱۰۵ - ۱۱۳) که مترجم، ترجمه متن کامل آن را در دست نگارش دارد و امید می‌برد بزودی به پایان برساند - بمنه و کرمه.

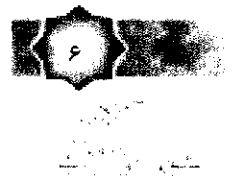
فعل آورده، و کسی جز او، به چنین اعمالی اقدام نکرده است.

استدلال بدین مطلب، مبنی بر این است که اسلام، افضل ادیان آسمانی است، از چند وجه:

- ۱- زیرا که مصلحت اسلام برای بندگان عام‌تر است.
- ۲- زیرا این مطلب مورد اجماع همه طوائف مسلمانان است.
- ۳- زیرا خداوند فرموده: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (قرآن، س ۳، ی ۱۱۰). شما بهترین امتی هستید که برای مردمان پدید آمده‌اند و بنا بر آنچه در بعضی تفاسیر آمده مراد از این امت، امت اسلام است.
- ۴- معتزله، کثرت معتقدان به پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - و بسیاری پیروان آنین و شریعت آن حضرت را، نسبت به امتهای گذشته، دلیل تفضیلی نبی اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - بر دیگر پیامبران گرفته‌اند!

وقتی اسلام افضل ادیان باشد، یاری رساندن به آن هم افضل اعمال می‌شود، و می‌دانیم امیرالمؤمنین علی - علیه‌السلام - به بهترین شیوه‌ای که هیچکس را دست نداده است، به یاری این دین مبین قیام فرمود. اگر فضل اسلام - آنگونه که معتزله می‌گویند به کثرت اتباع و انصار باشد، امام علی - علیه‌السلام - بر همگان برتری دارد، زیرا که در نصرت این دین از همه بیشتر بوده است. آن حضرت - علیه‌السلام - پیش از همه مردم اسلام آورد و بیش از همه به خاطر خدا رنج برد.

اگر امت اسلام، در میان امتها، بر حق است، این به سبب اسلام است، و اسلام با جهاد امیرالمؤمنین علی - علیه‌السلام - به این امت رسید؛ پس همانگونه که پیامبر - صلی الله علیه و آله - که وحی را آشکارا اعلام کرد و رسالت را ابلاغ نمود، فضلش بر امت، ثابت و معلوم است، فضل علی - علیه‌السلام - هم بر امت، ثابت است و معلوم.



شیخ مفید